

گام دیگری به کام طالبان: نشست مسکو به دنبال چیست؟

نشست مسکو به عنوان پیش‌درآمد نشست ماه آوریل استانبول برگزار شد. جلسه‌ای تحقیرآمیز برای نمایندگان نظام سیاسی افغانستان و باشکوه برای شورشیان طالبان. به نظر می‌رسد بازیگران خارجی افغانستان دیگر بر سر بازگشت طالبان به قدرت رسمی اختلاف نظری ندارند، گفتگوها تنها بر سر چگونگی عملیاتی شدن این طرح است.

نشست یک روزه صلح افغانستان روز پنج‌شنبه ۲۸ اسفندماه در مسکو برگزار شد. نشست تحقیرآمیز برای دولت مستقر در افغانستان و نشانه‌ای جدی از بازگشت آرام ولی قطعی طالبان به ساحت رسمی قدرت.

نمایندگان ویژه روسیه، چین، پاکستان و آمریکا در این نشست شرکت کردند. اداره جلسه نیز با ضمیر کابلوف، نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان بود. نشست مسکو دو بخش داشت. در بخش نخست نمایندگان چهار کشور پشت درهای بسته و به مدت دو ساعت مواضع خود را با یکدیگر هماهنگ کردند. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه سخنان اصلی در این بخش بود.

در بخش دوم، نمایندگان شورای مصالحه ملی به ریاست عبدالله عبدالله و نمایندگان طالبان به ریاست عبدالغنی برادر حضور یافتند.

نام اعضای طالبان در این نشست اعلام نشده است. در هیئت رسمی افغانستان که ترکیبی از اعضای شورای مصالحه ملی و چهره‌های ارشد سیاسی است، علاوه بر عبدالله عبدالله، حامد کرزی، رئیس‌جمهور سابق افغانستان، ژنرال دوستم، معاون سابق رئیس‌جمهور، کریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی، گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی، میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان، محمد علم ایزدیار، نایب‌رییس مجلس سنا، معصوم استانکزی، رئیس هیئت مذاکره‌کننده صلح، سعادت منصور نادری، وزیر دولت در امور صلح، حبیبه سرابی، نادر نادری و متین بیگ، اعضای هیئت مذاکره‌کننده صلح دولت افغانستان حضور دارند.

استقبال تحقیرآمیز از نمایندگان عالی افغانستان

حضور هیئت رسمی از سوی نظام سیاسی افغانستان در روزهای گذشته جنجالی بوده است. دو روز پیش نامه سفارت افغانستان در مسکو خطاب به وزارت خارجه این کشور به رسانه‌ها راه یافت. در این نامه سفیر افغانستان شرایط حضور هیئت افغانی در نشست مسکو را توضیح داده بود. رسانه‌های افغانستان این نامه و شروطی که برای هیئت افغانستانی تعیین شده است را «حقارت‌بار» خواندند.

به صورت خلاصه، نمایندگان افغانستان باید قبل از سفر تست کرونا بدهند و نتیجه آن را همراه خود بیاورند. در بخش نخست نشست نمایندگان افغانستان اجازه حضور ندارند. در بخش دوم نشست هم فقط اعضای اصلی هیئت افغانستان می‌توانند حضور یابند و همراهانشان باید در هتل بمانند. به نمایندگی از هیئت افغانستان تنها یک نفر می‌تواند به صورت «مختصر» صحبت کند.

سفارت افغانستان در این نامه نوشته که طرف های روس جزئیات این نشست‌ها و دستور کار آن را به آن‌ها اعلام نکرده‌اند.

روسیه اعلام کرده است که تنها ۶ نفر را به عنوان نماینده رسمی در نظر خواهد گرفت و بقیه اعضای هیئت باید مخارج هتل، پذیرایی و حمل و نقل را خودشان بپردازند. همچنین مراسم استقبال رسمی برای ورود هیئت عالی‌رتبه افغانستان برگزار نخواهد شد و دیدار با مقام‌های روس نیز صرفاً در همین نشست خواهد بود و ملاقاتی خارج از این نشست با هیئت افغانستانی برگزار نخواهد شد.

این استقبال سرد از مقام‌های رسمی افغانستان در حالی است که تشریفات برای حضور هیئت طالبان در سطحی بالاتر و به صورت رسمی از سوی وزارت خارجه روسیه برنامهریزی و اجرا شد.

نشست مسکو به دنبال چیست؟

شرکت‌کنندگان و برگزارکننده نشست می‌گویند هدفشان بازگرداندن ثبات، کاهش خشونت‌ها و احیای روند صلح است. اما اگر لایه نازک اظهارات دیپلماتیک را کنار بزنیم دستور کار این نشست به صورت خلاصه چنین است: کنار گذاشتن اشرف غنی و سازوکار دولت وحدت ملی و شریک کردن طالبان در قدرت.

به همین دلیل اشرف غنی و معاونش امرالله صالح موضعی سرد درباره این رویداد داشته‌اند و گفته‌اند که تنها با برگزاری انتخابات زودهنگام حاضر به ترک قدرت هستند.

حضور هیئت افغانستان در مسکو زمانی قطعی شد که عبدالله عبدالله چراغ سبز حضور در این نشست را نه از ارگ ریاست‌جمهوری که از آمریکایی‌ها دریافت کرد.

اما چرا عبدالله عبدالله منتظر واکنش آمریکایی‌ها بود؟ در دولت ترامپ با اینکه روسیه و آمریکا هر دو به این نقطه مشترک رسیده بودند که جز با شریک کردن طالبان در قدرت نمی‌توان وضعیت در افغانستان را تغییر داد، واشنگتن روی خوشی به سازوکارهایی که مسکو برای این هدف تدارک می‌دید، نشان نمی‌داد.

گفتگو در قطر و مذاکره پشت پرده زلمی خلیلزاد، راهکار آمریکای ترامپ بود و مسکو در این سازوکار در حاشیه قرار داشت. اما وقتی دعوتنامه نشست مسکو به دست وزارت خارجه دولت بایدن رسید، آن‌ها رویکردی متفاوت نشان دادند و اعلام کردند که در این نشست نه تنها حاضر می‌شوند بلکه در برنامه‌ریزی و اجرای آن هم مشارکت خواهند کرد. در مقابل دولت روسیه هم اعلام کرده است که با پیشنهاد مطرح شده از سوی آمریکا برای طرح سه مرحله‌ای صلح در افغانستان موافقت کلی دارد. نشست ماه آوریل در استانبول احتمالاً گام نهایی برای هماهنگی میان بازیگران خارجی افغانستان است که نقششان در این کشور از بازیگران داخلی برجسته‌تر است.

اگر اتفاق خارق‌العاده‌ای در هفته‌های آینده رخ ندهد، روسیه، چین، پاکستان، ایران، آمریکا و ترکیه در نشست استانبول با الگوی دولت وحدت ملی خداحافظی خواهند کرد و طالبان از آن پس می‌تواند خود را شریک اصلی قدرت در نظام سیاسی افغانستان بداند.

خداحافظی با اشرف غنی، خداحافظی با دولت بدون طالبان

موضع روسیه در مقابل دولت برآمده در افغانستان پس از حمله آمریکا به این کشور همیشه روشن بوده است. مسکو به دنبال سهم خود از افغانستان است و دولت دست‌نشانده واشنگتن را تنها زمانی تحمل می‌کند که سهم روسیه را کنار بگذارد.

اما برخلاف رویکرد کجدار و مریز با دولت حامد کرزی، روسیه هیچ‌گاه با محمد اشرف غنی و سازوکار دولت وحدت ملی از سال ۲۰۱۴ به این سو موافقت نداشت. در بیش از شش سال گذشته، مسکو بی‌آنکه به صورت علنی اعلام کند، پشتیبان پر قدرت هر گروهی بوده که هدفش تضعیف دولت اشرف غنی است. طالبان که ۵۲ درصد افغانستان را در اختیار دارد بزرگترین شریک روسیه برای اجرای این طرح بوده است.

روسیه و آمریکا گرچه هر دو اکنون بر شریک کردن طالبان در قدرت اشتراک نظر دارند. ولی دستیابی به این اشتراک دیدگاه از دو مسیر متفاوت انجام شده است.

روسیه در دو دهه گذشته تلاش کرده تا افغانستان را به مدار خود برگرداند. طالبان که روزگاری برای مقابله با شوروی ایجاد و تجهیز شده بودند و پس از ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان به محاق رفته بودند، مناسبترین گزینه برای تحقق این هدف بود. حمایت روسیه، پاکستان و ایران از طالبان در اصل حمایت از گروهی است که محذوف آمریکا است ولی آنقدر پتانسیل دارد که با حمایت اطلاعاتی و لجستیکی می‌تواند هزینه‌های آمریکا در افغانستان را چند برابر کند. در حقیقت طالبان، گروهی نیابتی است که می‌تواند توازن قدرت در حاکمیت رسمی را که در دو دهه گذشته در دست آمریکا قرار داشته به هم بزند و این کشورها را هم به سهم خود از افغانستان برساند.

در مقابل آمریکا به دنبال خروج از افغانستان بدون شکست است. هزینه‌های روزافزون حضور نزدیک به دو دهه‌ای در این کشور دیگر برای آمریکا قابل تحمل نیست. آمریکا پس از نشست بن طرخی را در افغانستان پیش می‌برد که به صورت چکیده این بود که دولت و نهادهای کلیدی باید در دست نمایندگانی که آمریکا می‌خواهد بماند ولی دیگر گروه‌ها به جز القاعده و طالبان هم به نسبت زور و توانشان بر سر سفره قدرت جایی خواهند داشت. همین خوان گسترده قدرت و رقابت بر سر اینکه چه کسی متنعم از مواهب آن باشد میان گروه‌های قومی و سیاسی افغانستان شکاف‌های عمیقی ایجاد کرد. مجاهدین که در مرتبه دوم قدرت در دو دهه گذشته قرار داشته‌اند خود به چند پاره تقسیم شدند. حتی در درون حلقه اصلی مجاهدین نیز نقار و اختلاف حکم‌فرما شد. برای نمونه امرالله صالح برای آنکه به پست معاونت ریاست‌جمهوری اشرف غنی برسد حاضر شد به عبدالله عبدالله که او را برادر و هم‌رزم خود می‌دانست، پشت کند. مشابه همین رویداد نیز در زمان معاون اولی یونس قانونی با دیگر اعضای مجاهدین رخ داد.

گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی که زمانی متحد جبهه شمال و مجاهدین بود وقتی به سهم مناسب از سفره قدرت نرسید سر به شورش گذاشت و تنها زمانی حاضر به مصالحه شد که تضمین کافی از دولت و در حقیقت از آمریکا برای برقراری حقوق و تشریفات عالی در پایتخت برای خود و یارانش دریافت کرد. مصالحه‌ای شکننده که هر از چندگاهی هم با چانه‌زنی و تهدید به شورش مجدد، مفاد آن کم و زیاد می‌شود.

حکمتیار پنجشنبه در حاشیه نشست مسکو با اعضای دفتر سیاسی طالبان در قطر دیدار کرد.

بجنگ و بکش تا به قدرت و مکنّت برسی

تاریخ افغانستان در چهار دهه گذشته ترکیبی از همین شورش‌ها و مصالحه‌ها بوده است و هر که سر به شورش گذاشته و در کشتار و غارت موفق‌تر عمل کرده، سهم بزرگتری از قدرت گرفته است. به همین دلیل الگوی ایجاد نزاع، افزایش هزینه برای قدرت مستقر، خشونت حداکثری و بعد مصالحه با گرفتن سهم هرچه بزرگتر از قدرت به الگوی اصلی سیاست و حکمرانی در افغانستان بدل شده است.

برای نمونه اتحاد گلبدین حکمتیار با برهان‌الدین ربانی در دهه ۸۰ میلادی و بعد نزاع و جدایی آن‌ها از یکدیگر، اتحاد گروه‌های چنگانه جبهه شمال و منازعه و جدایی بعدی پس از سقوط دولت دکتر نجیب و فتح کابل، برآمدن طالبان در شکاف همین گروه‌ها، فتح قندهار و بعد فتح کابل، سقوط طالبان به دست آمریکا و نزاع بر سر کیک قدرت که این بار گروه‌های سیاسی را به واحدهای بسیار کوچکی تبدیل کرد، همه الگوی تکرار شونده نزاع حداکثری برای به دست آوردن سهم بزرگتر از قدرت بوده است. طالبان هم در دو دهه گذشته همین الگو را پیش برد و اکنون در آستانه موفقیت است.

این لایه داخلی نزاع در افغانستان است. کشورهای خارجی که لایه بزرگتر درگیری‌های افغانستان را شکل داده‌اند نیز از همین الگو در افغانستان پیروی می‌کنند. هر کدام از گروه‌ها و جریان‌ها و اقوام افغانستان ارتباط مشخص با یکی از کشورهای خارجی دارند. آن‌ها می‌جنگند تا به مکنّت برسند و کشورهای حامی‌شان نیز تجهیزشان می‌کنند تا این شورش نیابتی منافع آن‌ها را تامین کند. افغانستان به عنوان پل ارتباطی چین و هند به آسیای میانه مورد توجه همه کشورهای منطقه است. حتی ترکیه نیز با تشکیل مدارس اسلامی و خیریه‌های مذهبی هم‌اکنون به دنبال جای پای محکم در افغانستان می‌گردد.

آنچه در میانه این شورش‌ها هیچ‌گاه برجسته نشده است سرنوشت مردم این کشور، به ویژه زنان است. آن‌ها در سه دهه گذشته اصلی‌ترین قربانی این دو سطح نزاع در کشورشان بوده‌اند. دستاوردهای زنان افغانستان در سال‌های گذشته گرچه بزرگ و ستودنی است ولی هنوز تا درونزا شدن و تثبیت آن در سراسر کشور فاصله بسیاری دارد. سهم زنان در

الگوی جدید برای افغانستانی که طالبان را هم در قدرت خواهد داشت، از هم‌اکنون محور نگرانی فعالان حقوق بشر و زنان در این کشور است. عجلتا موضوع زنان تنها به مدد رسانه‌های آزاد در حاشیه تلاش‌های دیپلماتیک مردانه در حال طرح شدن است و مشخص نیست که آیا کشورهای خارجی که مهم‌ترین بازیگران افغانستان هستند حاضرند بر حقوق زنان در مذاکراتشان با طالبان ایستادگی کنند یا نه.

اسفند ۱۳۹۹ ۲۸

رادیوزمانه